

کریدور زنگزور و توافق صلح میان ارمنستان و آذربایجان: پیامدهای اقتصادی و تجاری برای ذینفعان منطقه‌ای، با تمرکز بر نقش بالقوه ایران



| فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی | شماره ۱۲۰ | دوره ۳۰ | پاییز ۱۴۰۵ | ۸۳-۱۰۵

 <https://doi.org/10.22034/ijts.2026.2104713.4302>

| دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ | بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹ | پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۴

کلیدواژه‌ها

کریدور زنگزور / مسیر ترامپ / کریدور شمال-جنوب / ناتو / ژئوپلیتیک منطقه‌ای / بریکس

چکیده

کریدور زنگزور که در توافقنامه صلح با میانجیگری ایالات متحده میان ارمنستان و آذربایجان در ۸ آگوست ۲۰۲۵ با عنوان «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی» تغییر نام یافت، نشان دهنده تحولی مهم در ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی است. این پژوهش از منظر روابط بین‌الملل، پیامدهای سیاسی، اقتصادی، تجاری و امنیتی این کریدور را برای بازیگران کلیدی شامل آذربایجان، ارمنستان، ایالات متحده، ایران، ترکیه و روسیه بررسی می‌کند. تحولات سال ۲۰۲۵ و پیش‌بینی‌های مرتبط با اجاره ۹۹ ساله ایالات متحده بر این مسیر ۳۲ کیلومتری در استان سیونیک ارمنستان نشان می‌دهد که این طرح می‌تواند با تسهیل ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار تجارت سالانه اوراسیا، کاهش ۱۰ تا ۱۵ درصدی هزینه‌های انرژی اروپا و تغییر الگوهای حمل‌ونقل و قدرت منطقه‌ای همراه باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که این کریدور می‌تواند موازنه قدرت در منطقه را تغییر داده و مسیرهای سنتی تجارت و ترانزیت را بازتعریف کند. با این حال، ایران این پروژه را یک چالش ژئوپلیتیکی و امنیتی بالقوه تلقی می‌کند؛ زیرا نگرانی دارد که دسترسی شمالی آن به اروپا و دریای سیاه محدود شود، درآمدهای ترانزیتی کشور کاهش یابد و مخاطرات امنیتی مرزی افزایش پیدا کند. احیای این کریدور که ریشه در اختلافات ارضی



پس از فروپاشی شوروی دارد، پس از جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰ موجب تشدید رقابت‌های منطقه‌ای شده است. در حالی که آذربایجان و ترکیه با تکیه بر پیوندهای فرهنگی و قومی در پی تقویت اتصال منطقه‌ای هستند، ایران و روسیه نسبت به گسترش نفوذ غرب در قفقاز جنوبی نگرانی دارند. از نظر اقتصادی، این طرح می‌تواند مسیرهای انرژی را متنوع کرده و برخی مسیرهای تحریمی را دور بزند، اما برای ایران احتمال کاهش ۲۰ تا ۳۰ درصدی درآمدهای ترانزیتی مطرح است. نقش راهبردی ایران می‌تواند شامل توسعه مسیرهای جایگزین مانند کریدور ارس، تقویت اتصال شمال جنوب با روسیه و هند از طریق کریدور بین‌المللی شمال جنوب و بهره‌گیری از دیپلماسی چندجانبه باشد. این مطالعه نتیجه می‌گیرد که دیپلماسی فراگیر و ابتکارهای جایگزین اتصال منطقه‌ای برای کاهش تنش‌ها و دستیابی به توسعه متوازن ضروری است.

JEL: F51, F53, P45 طبقه‌بندی



The Zangezur Corridor and the Armenia-Azerbaijan Peace Agreement: Economic and Trade Implications for Regional Stakeholders, with a Focus on Iran's Potential Role

Behrooz Dini, Researcher, Foreign Trade Department, Institute for trade Studies and Research, Tehran, Iran. 

Vol 30, No. 120, Autumn 2026

Journal of Trade Studies (JTS)

 <https://doi.org/10.22034/jts.2026.2104713.4302>

| Received: 25 May. 2026 | Revised: 09 May. 2026 | Accepted: 15 Feb. 2026 |

Abstract

The Zangezur Corridor, renamed the “Trump Path to International Peace and Prosperity” under the US-brokered peace agreement signed between Armenia and Azerbaijan on August 8, 2025, represents a significant transformation in the geopolitics of the South Caucasus. From the perspective of international relations, this study examines the political, economic, trade, and security implications of the corridor for key stakeholders, including Azerbaijan, Armenia, the United States, Iran, Turkey, and Russia. Developments in 2025 and projections regarding the 99-year US lease of this 32-kilometer route through Armenia's Syunik province suggest that the project could facilitate 50–100 billion dollars in annual Eurasian trade, reduce European energy costs by 10–15 percent, and reshape regional transportation networks and power dynamics. The findings indicate that the corridor has the potential to alter the regional balance of power and redefine existing trade and transit patterns. However, Iran perceives the project as a potential geopolitical and security challenge, as it may restrict Iran's northern access to Europe and the Black Sea, reduce transit revenues, and increase border security risks. The revival of the corridor, rooted in post-Soviet territorial disputes and intensified after the 2020 Nagorno-Karabakh War, has further increased regional competition and tensions. While Azerbaijan and Turkey seek to strengthen regional connectivity based on their cultural and ethnic ties, Iran and Russia remain concerned about the expansion of Western influence in the South Caucasus. Economically, the project may diversify energy routes and provide alternatives to sanctioned pathways; however, it may also impose a potential 20–30 percent decline in Iran's transit revenues. Iran's strategic responses could include promoting alternative routes such as the Aras Corridor, strengthening north-south integration with Russia and India through the International North-South Transport Corridor, and utilizing multilateral diplomatic partnerships to reduce regional isolation. The study concludes that inclusive diplomacy and alternative connectivity initiatives are essential for mitigating tensions, balancing competing interests, and promoting sustainable regional development.

behrooz.dini@gmail.com

JEL Classification: F51, F53, P45

Keywords: Zangezur Corridor; Trump Path; International North-South Transport Corridor; NATO; Regional Geopolitics; BRICS

Data Availability: The data used or generated in this research are presented in the text of the article.

Conflicts of Interest: The authors of this paper declared no conflict of interest regarding the authorship or publication of this article.

قفقاز جنوبی، محل تلاقی امپراتوری‌ها و تمدن‌ها، مدت‌هاست که صحنه رقابت ژئوپلیتیکی بوده است. از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، این منطقه با درگیری‌های قومی، اختلافات ارضی و رقابت‌های قدرت‌های بزرگ دست و پنجه نرم کرده است. درگیری ناگورنو-قره‌باغ بین ارمنستان و آذربایجان که در اواخر دهه ۱۹۸۰ آغاز شد، نمونه‌ای از این بی‌ثباتی است که منجر به دو جنگ بزرگ (۱۹۹۱-۱۹۹۴ و ۲۰۲۰) و آوارگی بیش از یک میلیون نفر شده است. جنگ ۲۰۲۰ که با بازپس‌گیری بیشتر سرزمین‌های مورد مناقشه توسط آذربایجان پایان یافت، زمینه را برای تلاش‌های صلح جدید فراهم کرد و به توافق تاریخی با میانجیگری ایالات متحده در ۸ آگوست ۲۰۲۵ در کاخ سفید منجر شد. محور این پیمان، کریدور زنگزور است که اکنون به عنوان «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی»^۱ تغییر نام داده است، یک مسیر ترانزیتی ۳۲ کیلومتری از طریق استان سیونیک ارمنستان که سرزمین اصلی آذربایجان را به منطقه نخجوان متصل می‌کند. این کریدور تحت اجاره ۹۹ ساله ایالات متحده، شامل جاده‌ها، راه‌آهن، خطوط لوله و فیبر نوری است و نوید افزایش اتصال اوراسیا و دور زدن مسیرهای سنتی از طریق روسیه و ایران را می‌دهد. پیش‌بینی‌ها حاکی از افزایش ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلاری تجارت سالانه است^۲، به طوری که هزینه‌های انرژی اروپا از طریق منابع متنوع دریای خزر ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش می‌یابد^۳ از نظر ژئوپلیتیکی، این کریدور اتحادها را تغییر شکل می‌دهد. آذربایجان و ترکیه آن را به عنوان یک پیوند قومیتی می‌بینند که سازمان کشورهای ترک را تقویت می‌کند. روسیه که در اثر جنگ اوکراین ضعیف شده است، شاهد کاهش نفوذ خود است، در حالی که ایالات متحده جایگاه استراتژیکی برای مقابله با روسیه، ایران و چین به دست می‌آورد. ارمنستان با حفظ حاکمیت خود، سرمایه‌گذاری‌های غربی را تضمین می‌کند، اما با خطر مخالفت داخلی و مسائل مربوط به آوارگی مواجه است. موقعیت ایران به ویژه حاد است و با هر دو کشور هم‌مرز است، با این کریدور به عنوان یک «توطئه ژئوپلیتیکی»^۴ که ارتباط ارمنستان را قطع می‌کند و امکان نزدیکی به ناتو را فراهم می‌کند، مخالف است. از نظر تاریخی، ایران در منطقه میانجیگری می‌کرد، اما پس از سال ۲۰۲۵، می‌تواند از مشارکت‌های کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال-جنوب^۵ با روسیه و هند برای مقابله با انزوا استفاده کند این مقاله با استفاده از (سوات)^۶ این پویایی‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کند و نقش‌های گذشته

1. TRIPP (Trump Route for International Peace and Prosperity).

2. World Bank.

3. Carnegie

۴. «توطئه ژئوپلیتیکی» تحلیلی است که رویدادهای سیاسی، نظامی یا اقتصادی را نتیجه برنامه‌ریزی پنهان قدرت‌های بزرگ برای سلطه بر مناطق استراتژیک، منابع انرژی یا تضعیف رقیب می‌داند. این دیدگاه، که در خاورمیانه رواج دارد، معمولاً اقداماتی مانند بحران‌های آبی یا درگیری‌های منطقه‌ای را نه طبیعی، بلکه نقشه خارجی طراحی شده علیه امنیت ملی کشورها تفسیر می‌کند.

5. International North-South Transport Corridor (INSTC).

6. SWOT.

و بالقوه ایران را در کاهش خطرات بررسی می‌کند. سوالی را که در این مطالعه به آن خواهیم پرداخت، این است، تحول جدید در کریدور زنگزور (۲۰۲۵) چگونه موازنه‌های قفقاز جنوبی را تغییر می‌دهد و ایران چه استراتژی‌هایی می‌تواند به کار گیرد؟

روش تحقیق

این مطالعه رویکرد ترکیبی کیفی را اتخاذ می‌کند و از داده‌های ثانویه از مقالات دانشگاهی، گزارش‌های خبری، بیانیه‌های رسمی و تحلیل‌های رسانه‌های اجتماعی به زبان‌های انگلیسی و فارسی استفاده می‌کند. پایگاه‌های داده مانند گوگل اسکالر، اسکوپوس و رسانه‌های ایرانی مانند (Irna.ir)، (Tabnak.ir) برای اصطلاحاتی مانند «توسعه‌های کریدور زنگزور ۲۰۲۵» و «کریدور زنگزور نقش ایران» جستجو شدند. چارچوب SWOT برای ارزیابی نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها بر اساس معیارهای اقتصادی (حجم تجارت، صادرات انرژی) و عوامل ژئوپلیتیکی (اتحادها، امنیت مرزی) که در برگیرنده شرایط تمام بازیگران درگیر در موضوع این کریدور می‌باشد. داده‌ها تا تاریخ ماه اوت ۲۰۲۵ برای به‌روز بودن گنجانده شدند. پست‌های X (توییت‌سابق) برای واکنش‌های واقعی ذینفعان تحلیل شدند. توجهات در رسانه‌های دولتی از طریق تأیید متقابل در منابع متنوع کاهش یافت. محدودیت‌ها شامل رویدادهای سریع‌التغییر و دسترسی به توافق‌های محرمانه است.

پیشینه تاریخی و جایگاه راهبردی کریدور زنگزور

کریدور زنگزور ریشه در تقسیمات ارضی دهه ۱۹۲۰ میلادی دارد؛ زمانی که منطقه «سیونیک» (زنگزور) به ارمنستان واگذار شد و پیوستگی جغرافیایی آذربایجان با نخجوان و ترکیه قطع گردید. در ادبیات پژوهشی مدرن، این مفهوم پس از جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰) و بر اساس بند ۹ توافقنامه آتش‌بس احیاء شد. مقالات علمی این کریدور را نه صرفاً یک مسیر ترانزیتی، بلکه بخشی از پروژه پسا-شوروی برای بازتعریف ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی می‌دانند که هدف آن اتصال مستقیم باکو به آنکارا بدون نیاز به دور زدن از مسیر ایران یا گرجستان است. ارتباط کریدور زنگزور با دیگر کریدورهای منطقه نیز یکی از مسائل مهم در این واکاوی است که نباید از توجه دور دانست. کریدور زنگزور در تقاطع رقابت‌های قاره‌ای قرار دارد. این کریدورها شامل کریدور میانی،^۱ زنگزور به عنوان مکمل این مسیر، پیوند چین و آسیای مرکزی به اروپا را از طریق دریای خزر و ترکیه کوتاه‌تر و ارزان‌تر می‌کند. کریدور شمال-جنوب^۲ این مسیر با در تضاد یا رقابت قرار می‌گیرد؛ چرا که

1. (Middle Corridor).

2. (INSTC).



زنگزور محور شرقی- غربی را تقویت کرده و می‌تواند اولویت مسیرهای عبوری از ایران را تحت تأثیر قرار دهد. راه لاجین: در مقالات سیاسی، زنگزور اغلب به عنوان «وزنه تعادل» در برابر جاده لاجین مطرح می‌شد، هرچند پس از ۲۰۲۳ موازنه قوا به نفع باکو تغییر کرد.

مبحث اصلی

در این بخش، به بررسی عمیق‌تر ابعاد مختلف کریدور زنگزور می‌پردازیم. این تلفیق بر پایه چارچوب (سوات) برای بازیگران کلیدی (آذربایجان، ارمنستان، ایالات متحده، ایران، ترکیه و روسیه) استوار است و جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری و امنیتی را پوشش می‌دهد. هدف، برجسته کردن پیامدهای توافق صلح ۸ اوت ۲۰۲۵ میان ارمنستان و آذربایجان با میانجیگری ایالات متحده است، با تمرکز ویژه بر نقش بالقوه ایران در کاهش ریسک‌ها از طریق مسیرهای جایگزین مانند «کریدور ارس» مورد بررسی قرار خواهد گرفت. مزایای اقتصادی توافق، مانند تنوع بخشی تجارت و ارتقای زیرساخت‌ها، واضح هستند اما به طور نامتقارن توزیع شده‌اند و آذربایجان، ترکیه و ایالات متحده را به نفع می‌رسانند. امتیازات ارمنستان ممکن است سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت ایجاد کند اما ریسک فرسایش حاکمیت و ناآرامی داخلی را به همراه دارد. برای ایران، تهدیدها حاد هستند: میلیاردها دلار درآمد ترانزیتی از دست رفته و ریسک‌های امنیتی و امکان نزدیکی این دو کشور به ناتو افزایش خواهد یافت (حسینی، ۱۴۰۴). ایران می‌توانست با پیشبرد جایگزینی کریدور ارس پیش از این، همکاری چندجانبه را در این ژئوپلیتیک تقویت نماید. موقعیت ضعیف روسیه پس از جنگ با اوکراین، موجب کاهش توان و هژمونی‌اش در این بخش گردیده است. و عامل خلأ قدرتی شده که این خلا توسط ایالات متحده پرگردید. این کریدور ممکن است عدم توازن را تشدید کند مگر اینکه با چارچوب‌های فراگیر مانند ابتکارات مشترک ایران-روسیه جبران شود. بررسی شرایط و موقعیت کریدور زنگزور در ابعاد گوناگون مورد تحلیل قرار گرفته است، که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است.

ابعاد سیاسی

از منظر روابط بین‌الملل، کریدور زنگزور که پس از توافق صلح ۸ اوت ۲۰۲۵ میان ارمنستان و آذربایجان با میانجیگری ایالات متحده به «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی»^۱ تغییر نام یافت، یکی از پیچیده‌ترین تحولات ژئوپلیتیکی در قفقاز جنوبی است. این کریدور ۳۲ کیلومتری از استان سیونیک ارمنستان عبور می‌کند و آذربایجان را به منطقه محصور نخجوان متصل می‌نماید، که شامل جاده‌ها، راه‌آهن‌ها، خطوط لوله انرژی و فیبر نوری است. توافق، که تحت اجاره ۹۹ ساله ایالات متحده قرار دارد،

1. (TRIPP)



نه تنها خصومت‌های چندین دهه را پایان می‌دهد، بلکه پویایی قدرت منطقه‌ای را به طور اساسی تغییر می‌دهد. تحلیل ابعاد سیاسی این پروژه نشان‌دهنده انتقال قدرت از محور روسی-ایرانی به محور غربی-ترکی است، با پیامدهای گسترده برای ثبات منطقه، اتحادها و امنیت ملی بازیگران کلیدی. برای آذربایجان، این کریدور بخشی از استراتژی قومی و منطقه‌ای است که با حمایت ترکیه، سازمان کشورهای ترکی را تقویت می‌کند و آذربایجان را به عنوان هاب انرژی و ترانزیتی برجسته می‌سازد. اما برای ارمنستان، امتیازات سیاسی سنگین به همراه خواهد داشت، چراکه حفظ حاکمیت بر کریدور در کنار آن واگذاری حقوق توسعه به ایالات متحده به مدت ۹۹ سال، ممکن است موجب مناقشات در درون کشور و یا با منطقه شود.

نخست، نقش ایالات متحده به عنوان میانجی اصلی برجسته است. پیش از این، روسیه از طریق گروه مینسک^۱ نقش محوری در حل مناقشه قره‌باغ داشت، اما جنگ اوکراین در سال‌های ۲۰۲۲-۲۰۲۵ روسیه را ضعیف کرد و خلأ قدرتی ایجاد نمود که دونالد ترامپ با مدیریت مستقیم آن را پر کرد. این توافق، که در کاخ سفید امضا شد، ایالات متحده را به عنوان بانی صلح «صلح‌ساز» جدید معرفی می‌کند و نفوذ واشنگتن را در اوراسیا گسترش می‌دهد. از دیدگاه واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل، این اقدام بخشی از استراتژی مهار روسیه و چین است، زیرا کریدور مسیرهای تجاری را دور از کنترل مسکو هدایت می‌کند و اروپا را از وابستگی به انرژی روسی رها می‌سازد. ترامپ این پروژه را «پروژه بزرگ» نامید و حتی پیشنهاد داد که برای جایزه نوبل صلح کاندید شود، که نشان‌دهنده بهره‌برداری سیاسی داخلی از آن است. اما باید گفت، مداخله آمریکا تا حدودی موجب تضعیف موقعیت استراتژیکی ارمنستان خواهد شد، ایروان حاکمیت بر کریدور را حفظ می‌کند، اما واگذاری حقوق توسعه به ایالات متحده می‌تواند در کوتاه مدت این کشور را با اعتراضات داخلی می‌تواند، روبرو سازد.

برای آذربایجان، کریدور زنگور نماد پیروزی سیاسی پس از جنگ ۲۰۲۰ است. این پیمان عاملی در جهت تقویت سازمان کشورهای ترکی^۲ خواهد بود و آذربایجان را به عنوان هاب منطقه‌ای برجسته می‌سازد. طبق دیدگاه آذربایجان این پیمان، «اتحاد ترکی» را تحکیم می‌بخشد و دسترسی مستقیم به ترکیه و اروپا را فراهم می‌کند. این تغییر، آذربایجان را از وابستگی به مسیرهای روسی رها می‌کند و موقعیت آن را در سازمان همکاری شانگ‌های^۳ و ابتکار کمربند و جاده چین بهبود می‌بخشد. اما چالش سیاسی برای آذربایجان، مدیریت روابط با ایران است، زیرا این کریدور مرزهای مشترک را تغییر می‌دهد و می‌تواند به تنش‌های قومی در مناطق آذری‌نشین ایران دامن بزند.

1. (OSCE) Organization for Security and Co-operation in Europe.

2. (OTS) Organization of Turkic States.

3. (SCO) Shanghai Cooperation Organization.



ترکیه، به عنوان متحد نزدیک آذربایجان، بیشترین سود سیاسی را می‌برد. آنکارا این کریدور را گسترش «کریدور میانی» می‌داند که ترکیه را به عنوان پل اوراسیا برجسته می‌سازد. ترکیه، از این پروژه به عنوان «گامی تاریخی برای جهان ترک» یاد کرد و آن را با اهداف نئوعثمانی همخوان می‌داند. این امر، ترکیه را در رقابت با ایران قرار می‌دهد، زیرا نفوذ آنکارا در قفقاز را افزایش می‌دهد و می‌تواند به تضعیف محور شیعی-ایرانی کمک کند. با این حال، ترکیه باید تعادل را با روسیه حفظ کند، زیرا مسکو همچنان پایگاه‌های نظامی در ارمنستان دارد (سلیمانی، ۱۴۰۴).

روسیه، به عنوان بازنده اصلی سیاسی، نفوذ سنتی‌اش را از دست می‌دهد. پس از جنگ ۲۰۲۰، روسیه میانجی بود، اما توافق ۲۰۲۵ گروه مینسک را عملاً منحل کرد و نقش مسکو را به حاشیه راند. روسیه این پیمان را «دخالته غربی» نامید و هشدار داد که می‌تواند به بی‌ثباتی منطقه منجر شود (کوزه‌گر کالجی، ۱۴۰۴). روسیه ممکن است به اتحاد‌های جدید با ایران روی آورد، مانند گسترش کریدور شمال-جنوب^۱ برای مقابله با این تغییرات گام‌هایی را بردارد. اما ضعف اقتصادی روسیه پس از تحریم‌های اعمالی در جنگ با اوکراین، توانایی‌اش را محدود می‌کند، مگر این که روابط جنگی خود را به سمت صلح سوق دهد.

ایران، به عنوان بازیگر محوری، این کریدور را تهدیدی وجودی می‌بیند. تهران آن را «توطئه آمریکایی-اسرائیلی» می‌داند که مرزهای شمالی‌اش را قطع می‌کند و امکان حضور ناتو را فراهم می‌سازد (بهمن، ۱۴۰۴). این پروژه برای ایران نگرانی‌های امنیتی به همراه دارد. این کریدور ارتباط مستقیم ایران با ارمنستان را قطع می‌کند و ممکن است به جدایی‌طلبی در استان‌های آذری‌نشین دامن بزند، به همین دلیل ایران باید کاملاً محتاط باشد، (موحدیان، ۱۴۰۴). از دیدگاه سازه‌نگاری، این پروژه هویت شیعی-ایرانی را تهدید می‌کند، زیرا قومیت‌گرایی برخی از این کشورها را تقویت می‌نماید. ایران در گذشته سعی در ایجاد نقش میانجی را داشت، به عنوان مثال در مذاکرات دهه ۱۹۹۰، اما عدم اقدام به موقع در پیشنهاد مسیر آراس یا همان ارس (از مرز ایران-آذربایجان)، فرصت‌های سیاسی را از دست داد. اکنون، ایران می‌تواند از دیپلماسی چندجانبه در بریکس^۲ استفاده کند تا با روسیه و چین اتحادی فوری تشکیل دهد و مسیرهای جایگزین را پیش ببرد. مانورهای نظامی اخیر ایران در مرز ارمنستان، سیگنالی سیاسی برای بازدارندگی را می‌توانست به همراه داشته باشد (یزدان‌پناه درو، ۱۴۰۴).

در سطح بین‌المللی، این کریدور می‌تواند به تشدید رقابت‌های جهانی منجر شود. اروپا از تنوع انرژی سود می‌برد، اما سازمان ملل و اتحادیه اروپا نگرانی‌هایی در مورد حقوق بشر و جابه‌جایی جمعیت در سیونیک ابراز کرده‌اند (کولایی، ۱۴۰۴). در مقابل چین، با ابتکار کمربند و جاده، ممکن است این پروژه را

1. (INSTC) International North-South Transport Corridor.

2. (BRICS)



رقیبی برای مسیرهای خود ببیند و با ایران همکاری کند. در نهایت، ابعاد سیاسی کریدور زنگرور نشان دهنده انتقال قدرت است که می‌تواند به صلح پایدار منجر شود اگر فراگیر باشد، اما بدون توجه به نگرانی‌های ایران و روسیه، ریسک درگیری را افزایش می‌دهد. ایران با پیشنهاد ارس می‌تواند نقش سازنده ایفا کند و تعادل را بازگرداند (قهرمانی، ۱۴۰۴).

ابعاد اقتصادی

از دیدگاه اقتصادی، کریدور زنگرور فرصت‌های قابل توجهی برای ایجاد می‌کند اما توزیع نابرابر به همراه خواهد داشت. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که این پروژه تجارت اوراسیایی را ۵۰-۱۰۰ میلیارد دلار در سال، با تمرکز بر موضوع انرژی و کالا افزایش خواهد داد (همتی، ۱۴۰۴). برای آذربایجان، این کریدور صادرات گاز به اروپا را دوبرابر می‌کند و درآمدهای ترانزیتی را به بیش از ۱ میلیارد دلار می‌رساند، که اقتصاد وابسته به نفت‌اش را متنوع می‌سازد (بانک جهانی، ۲۰۲۵). ارمنستان نیز از سرمایه‌گذاری‌های غربی سود می‌برد، مانند پروژه‌های فناوری و انرژی، اما هزینه‌های اجتماعی مانند جابه‌جایی جمعیت در سیونیک را تحمل می‌کند.

ایالات متحده، با اجاره ۹۹ ساله، پایگاهی اقتصادی برای مقابله با روسیه و چین ایجاد می‌کند، که اروپا را از وابستگی به گاز روسی رها می‌نماید و سیاست گسترش نفوذ چین از مرزهای زمینی به اروپا را تحت الشعاع قرار می‌دهد و عاملی در کاهش هزینه‌های انرژی تا ۱۰-۱۵ درصد می‌گردد. (ابوالفتح، ۱۴۰۴). ترکیه از گسترش صادرات بهره می‌برد و روسیه زیان‌های اقتصادی می‌بیند، زیرا مسیرهای ترانزیتی‌اش دور زده می‌شود (مگر این که انرژی آذربایجان از خاک روسیه به اروپا روانه می‌شود).

برای ایران، تهدیدها حاد خواهد بود، پیمان کریدور زنگرور، کریدور شمال-جنوب را تضعیف می‌کند و درآمدهای ترانزیتی ایران را تا ۲۰-۳۰ درصد کاهش می‌دهد، که معادل میلیاردها دلار زیان سالانه است (ضیائی، ۱۴۰۴). اگر ایران کریدور آراس (ارس) را توسعه دهد، می‌تواند این زیان‌ها را جبران کند و حتی به عنوان هاب جدید عمل نماید. اما عدم اقدام به موقع، ایران را در بازی بزرگ کریدورها عقب می‌اندازد. تحلیل اقتصادی نشان می‌دهد که بدون استراتژی‌های جایگزین، ایران از رشد منطقه‌ای جا می‌ماند. تحلیل اقتصادی بر اساس گزارش‌های بانک جهانی و فوربس^۱ نشان می‌دهد که این پروژه، با دور زدن مسیرهای سنتی روسیه و ایران، اقتصاد منطقه را متنوع می‌سازد اما توزیع مزایا نابرابر است. آذربایجان و ترکیه بیشترین سود را می‌برند، در حالی که ایران و روسیه با زیان‌های قابل توجهی مواجه خواهند شد. در حالی که برای آذربایجان، فرصت اقتصادی عظیمی ایجاد می‌کند و این کشور را به عنوان صادرکننده عمده انرژی، با صادرات گاز طبیعی، از ۱۰ میلیارد متر مکعب فعلی به بیش از ۲۰ میلیارد متر مکعب در سال

1. Forbes



افزایش می‌دهد، که درآمدهای ارزی آن را دو برابر می‌کند.^۱ این پروژه بخشی از «کریدور میانی» است که زمان ترانزیت کالا از آسیای مرکزی به اروپا را از ۴۰ روز به ۱۵ روز کاهش می‌دهد و درآمدهای ترانزیتی آذربایجان را به بیش از ۱ میلیارد دلار سالانه می‌رساند (بانک جهانی، ۲۰۲۴). اقتصاد آذربایجان، که ۴۰ درصد وابسته به نفت و گاز است، از این طریق متنوع می‌شود و سرمایه‌گذاری‌های خارجی مانند پروژه‌های فیبر نوری ایالات متحده را جذب می‌کند. اما ضعف اقتصادی باکو، وابستگی به نظارت ایالات متحده است، که می‌تواند هزینه‌های عملیاتی را افزایش دهد و در صورت تنش‌های سیاسی، جریان درآمد را مختل کند.

ارمنستان، به عنوان میزبان کریدور، مزایای اقتصادی قابل قبولی خواهد داشت اما در زمینه سیاسی در طول مدت این پیمان ممکن است با مشکلاتی روبرو شود. ایروان حاکمیت را حفظ می‌کند اما حقوق توسعه را برای ۹۹ سال به ایالات متحده واگذار کرده، که می‌تواند سرمایه‌گذاری‌های غربی در فناوری و انرژی را به همراه داشته باشد. پیش‌بینی می‌شود ارمنستان از طریق عوارض ترانزیتی حدود ۲۰۰-۵۰۰ میلیون دلار درآمد کسب کند و اقتصاد کوچک‌اش (با GDP حدود ۱۵ میلیارد دلار) را تقویت نماید، این رقم در مدل‌های اقتصادی بر اساس عبور سالانه بیش از ۱۰ تا ۱۵ میلیون تن کالا از مسیرهای ارمنستان تخمین زده شده است (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۲۵).^۲ با این حال، هزینه‌های اجتماعی مانند جابه‌جایی جمعیت در استان سیونیک و اختلال در کشاورزی محلی، می‌تواند رشد را محدود کند. ارمنستان می‌تواند از این فرصت برای ادغام در بازارهای غربی استفاده کند، اما مخالفت داخلی ممکن است سرمایه‌گذاری‌ها را کاهش دهد.

ایالات متحده، با اجاره ۹۹ ساله، پایگاهی اقتصادی برای مقابله با روسیه و چین ایجاد می‌کند. این پروژه اروپا را از وابستگی به گاز روسی رها می‌نماید و هزینه‌های انرژی قاره را ۱۰-۱۵ درصد کاهش می‌دهد، که معادل صرفه‌جویی ۵۰ میلیارد دلاری سالانه است.^۳ واشنگتن می‌تواند از طریق شرکت‌های آمریکایی مانند اکسون موبیل، در خطوط لوله سرمایه‌گذاری کند و نفوذ اقتصادی‌اش را گسترش دهد. اما هزینه‌های بالای توسعه (برآورد ۱۰-۲۰ میلیارد دلار) و وابستگی به ثبات محلی، ضعف‌هایی هستند که می‌توانند بازدهی را کاهش دهند.^۴

ترکیه، به عنوان متحد آذربایجان، از گسترش صادرات سود می‌برد. آنکارا این کریدور را به عنوان ادامه مسیر ابریشم جدید می‌بیند که صادرات ترکیه به آسیای مرکزی را ۳۰ درصد افزایش می‌دهد و GDP آن را تقویت می‌کند.^۵ ترکیه می‌تواند نقش هاب ترانزیتی را ایفا کند و از طریق سازمان کشورهای ترکی، تجارت

1. (IEA)

2. (IMF)

3. (CSIS). 2025.

4. (EIA). 2025.

5. (EBRD). 2024.

منطقه‌ای را گسترش دهد. اما رقابت با ایران می‌تواند هزینه‌های اقتصادی بیشتری را در شرایط تحریمی ایران به همراه داشته باشد.

روسیه، به عنوان بازنده اقتصادی، متضرر اصلی این پیمان می‌باشد. سهم کل گاز روسیه (شامل گاز خط لوله و گاز مایع یا LNG) در بازار اتحادیه اروپا اکنون به حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد رسیده است. این در حالی است که پیش از سال ۲۰۲۲، روسیه تأمین‌کننده بیش از ۴۰ درصد نیاز گاز اروپا بود. این در حالی است که با این پیمان و با دور زدن مسیرهایش، میلیاردها دلار درآمد از دست می‌دهد. این امر اقتصاد وابسته به انرژی روسیه را بیشتر تحت فشار قرار می‌دهد، به ویژه پس از تحریم‌های جنگ با اوکراین. روسیه می‌تواند از طریق اتحاد با ایران، کریدور شمال-جنوب را تقویت کند، اما ضعف فعلی‌اش فرصت‌ها را محدود می‌نماید (همتی، ۱۴۰۴).

همانطور که اشاره شد ایران، با تهدیدهای اقتصادی حاد مواجه است. ایران، که نقش هاب ترانزیتی بین خلیج فارس و اروپا را ایفاء می‌کند، ممکن است حجم تجارت با اروپا را از دست بدهد و اقتصاد تحت تحریم‌اش، بیشتر آسیب ببیند. از دیدگاه نواقع‌گرایی، این پروژه ایران را در محاصره اقتصادی قرار می‌دهد و می‌تواند به کاهش (GDP) ۱-۲ درصدی منجر شود. اما فرصت‌هایی وجود دارد که باید بدان‌ها توجه اساسی داشت. ایران می‌تواند کریدور آراس (ارس) را توسعه دهد، که از مرز ایران-آذربایجان عبور می‌کند و ترانزیت را حفظ می‌نماید. با مسیر بین‌المللی جنوب-شمال می‌توان همکاری بین روسیه و ایران را تقویت نمود و موجب درآمدهای گردد. عدم اقدام به موقع ایران در گذشته، مانند پیشنهاد کریدور ارس در مذاکرات ۲۰۲۳، فرصت‌های اقتصادی را از دست داد، اما اکنون می‌تواند از دیپلماسی اقتصادی برای جذب سرمایه‌گذاری بهتر و شناخت موقعیت‌ها در زمان‌های مناسب استفاده نمود.

در سطح کلان، این کریدور اقتصاد اوراسیا را تغییر می‌دهد. تنوع انرژی اروپا را افزایش می‌دهد اما ناترازی را تشدید می‌کند. بدون استراتژی‌های فراگیر، مانند ادغام مسیرهای ایرانی، ریسک رکود منطقه‌ای در بخش‌های مختلف تجاری و سرمایه‌گذاری را افزایش می‌بخشد. ایران با تمرکز بر ارس می‌تواند تعادل اقتصادی را بازگرداند و از انزوا جلوگیری کند (کوزه‌گرکالجی، ۱۴۰۴).

ابعاد تجاری

ابعاد تجاری کریدور زنگزور بر ترانزیت کالا و انرژی تمرکز دارد. این مسیر کریدور میانی را تقویت می‌کند و زمان حمل‌ونقل از آسیای مرکزی به اروپا را کاهش می‌دهد، که برای آذربایجان و ترکیه فرصت‌های صادراتی ایجاد می‌کند. ارمنستان می‌تواند از تجارت فناوری با غرب سود ببرد، اما ایالات متحده کنترل تجاری را به دست می‌گیرد.



جدول ۱. مقایسه‌ای وضعیت تجاری و انرژی در کریدور زنگزور (۲۰۲۶ - ۲۰۱۵)

کشور	حجم ترانزیت کالا (۲۰۱۵)	حجم ترانزیت کالا (۲۰۲۶ - پیش‌بینی)	صادرات گاز/انرژی (۲۰۱۵)	صادرات گاز/انرژی (۲۰۲۶)	نقش در کریدور
آذربایجان	۸ میلیون تن	۲۵ + میلیون تن	۸.۵ میلیارد مترمکعب	۲۰ + میلیارد مترمکعب	هاب اصلی و صادرکننده
ترکیه	متوسط (مسیر دریایی)	۳۰٪ افزایش صادرات	واردکننده محض	هاب توزیع به اروپا	دروازه ورود به غرب
ارمنستان	نزدیک به صفر	۵۰۰-۲۰۰ میلیون دلار درآمد	مصرف‌کننده داخلی	ترانزیت برق و گاز	مسیر میانبر حاکمیتی
ایران	رتبه ۱ منطقه	۲۰-۳۰٪ کاهش سهم	سوآپ محدود	تمرکز بر مسیر ارس	رقیب و مسیر جایگزین
روسیه	سلطه مطلق (۴۰٪ بازار)	افت به ۱۰-۱۲٪ (اروپا)	۲۰۰ میلیارد مترمکعب	کاهش شدید درآمدهای گازی	بازنده ژئواکونومیک

مأخذ: World Bank (2026)

این جدول نشان می‌دهد که بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۶، یک «چرخش بزرگ»^۱ از مسیرهای شمالی (روسیه) به سمت مسیرهای عرضی (قفقاز) رخ داده است. آذربایجان با رشد بیش از ۱۰۰ درصدی در صادرات گاز و ترکیه با تبدیل شدن به هاب انرژی، برندگان اصلی هستند، در حالی که ایران برای حفظ جایگاه خود، بر توسعه موازی «کریدور ارس» تمرکز کرده است.

ایران، با از دست دادن نقش ترانزیتی، ممکن است حجم تجارت با اروپا را از به طور کامل از دست بدهد. پیشنهاد کریدور ارس می‌تواند تجارت مشترک با روسیه و ایران را افزایش دهد و کریدور شمال - جنوب را حفظ کند. روسیه نیز می‌تواند از این جایگزین بهره‌برد تا از دور زدن مسیرهایش جلوگیری کند. کریدور زنگزور از منظر ژئوپلیتیک و ژئواکونومی منطقه قفقاز جنوبی یک مسیر حمل‌ونقل جدید است که با ورود آمریکا در این منطقه، موجب تغییر توازن قدرت، منافع اقتصادی متضاد، و تلاش برای ایجاد مسیرهای تجاری جدید در اوراسیا خواهد گردید.

یکی از اصلی‌ترین ابعاد تجاری کریدور زنگزور، نقش آن در تقویت «کریدور میانی»^۲ است. این مسیر، که از آسیای مرکزی، خزر، قفقاز جنوبی و ترکیه به اروپا امتداد می‌یابد، به عنوان جایگزینی کوتاه‌تر و سریع‌تر برای مسیر شمالی (از طریق روسیه) و مسیر جنوبی (از طریق ایران) مطرح شده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۱). با فعال شدن کریدور زنگزور، زمان حمل‌ونقل کالا از کشورهای آسیای مرکزی مانند قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان به بازارهای اروپایی به طور قابل توجهی کاهش خواهد یافت. این کاهش زمان و هزینه، جذابیت کریدور میانی را برای تجارت بین‌المللی افزایش می‌دهد و می‌تواند به رونق اقتصادی کشورهای

1. (Great Pivot).

2. (Middle Corridor).



واقع در این مسیر کمک کند. برای آذربایجان، این کریدور به معنای افزایش نقش ترانزیتی و درآمدزایی از حمل و نقل کالا و انرژی است. این کشور با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ریلی و جاده‌ای، به دنبال تبدیل شدن به یک هاب ترانزیتی اصلی در منطقه است. ترکیه نیز به عنوان دروازه کریدور میانی به اروپا، از این مسیر بهره‌مند خواهد شد. افزایش حجم تجارت از طریق ترکیه، نه تنها به تقویت اقتصاد این کشور کمک می‌کند، بلکه موقعیت ژئوپلیتیکی آن را به عنوان یک بازیگر کلیدی در اوراسیا مستحکم‌تر می‌سازد. فرصت‌های صادراتی برای هر دو کشور، به ویژه در حوزه‌های انرژی و مواد اولیه، از طریق این مسیر جدید به شدت افزایش خواهد یافت. فرصت‌ها و چالش‌ها ابعاد تجاری برای ارمنستان و نقش ایالات متحده در این کریدور وضعیت را برای این کشور پیچیده‌تر خواهد نمود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۱).

از یک سو، این کریدور می‌تواند فرصت‌هایی برای اتصال به شبکه‌های تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم کند. اگر ارمنستان بتواند از طریق این کریدور به بازارهای غربی دسترسی یابد، می‌تواند در حوزه‌هایی مانند فناوری اطلاعات و خدمات که پتانسیل بالایی در این کشور دارند، به تبادلات تجاری با غرب بپردازد. این امر می‌تواند به تنوع‌بخشی اقتصاد ارمنستان و کاهش وابستگی آن به شرکای سنتی کمک کند. با این حال، نگرانی‌هایی در مورد از دست دادن حاکمیت و کنترل بر مسیرهای ترانزیتی در منطقه سیونیک وجود دارد. به دست گرفتن کنترل تجاری توسط ایالات متحده، در واقع به نگرانی‌های ارمنستان در مورد نفوذ قدرت‌های خارجی و محدود شدن استقلال عمل آن در مدیریت این کریدور بازمی‌گردد. ایالات متحده و اتحادیه اروپا به طور کلی از کریدور میانی به عنوان راهی برای کاهش وابستگی اروپا به انرژی و مسیرهای ترانزیتی روسیه حمایت می‌کنند، که این ممکن است به نفوذ بیشتر آنها در منطقه منجر شود.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های کریدور زنگزور، تأثیر آن بر نقش ترانزیتی ایران است. ایران، که از دیرباز به عنوان پلی بین شرق و غرب عمل کرده و مسیر مهمی برای کریدور بین‌المللی حمل و نقل شمال- جنوب محسوب می‌شود، با فعال شدن کریدور زنگزور ممکن است بخشی از حجم ترانزیت کالا و انرژی به اروپا را از دست بدهد. این امر می‌تواند پیامدهای اقتصادی قابل توجهی برای ایران داشته باشد، به ویژه درآمد‌های حاصل از عوارض ترانزیتی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های را با کاهش شدیدی روبرو می‌سازد (کوزه‌گر کالجی، ۱۴۰۴). در واکنش به این چالش، پیشنهاد کریدور «آراس» یا ارس مطرح شده است. این کریدور که از طریق مسیرهای موجود در شمال ایران و در امتداد رود ارس می‌گذرد، می‌تواند به ایران کمک کند تا نقش ترانزیتی خود را حفظ کرده و حتی گسترش دهد. کریدور ارس می‌تواند به افزایش تجارت مشترک با روسیه و هند کمک کند و جایگزینی برای دور زدن ایران باشد. این مسیر نه تنها کریدور بین‌المللی حمل و نقل شمال- جنوب را تقویت می‌کند، بلکه فرصت‌های جدیدی برای همکاری‌های منطقه‌ای و توسعه زیرساخت‌ها در مناطق مرزی ایران فراهم می‌آورد.



برای روسیه نیز، کریدور زنگرور ابعاد خاص خود را دارد. در نگاه اول، این کریدور می‌تواند به معنای دور زدن مسیرهای ترانزیتی سنتی روسیه و کاهش نفوذ این کشور در حمل‌ونقل اوراسیا باشد. با این حال، روسیه نیز می‌تواند از این جایگزین بهره‌برداری کند. در شرایط کنونی که مسیرهای سنتی حمل‌ونقل از طریق روسیه با چالش‌های ژئوپلیتیکی مواجه هستند، کریدور زنگرور می‌تواند به عنوان یک مسیر تکمیلی و نه کاملاً رقیب، برای روسیه عمل کند. این کشور می‌تواند با همکاری با کشورهای منطقه و سرمایه‌گذاری در این کریدور، بخشی از ترافیک ترانزیتی را به سمت خود جذب کند و از انزوای کامل جلوگیری نماید. به عبارت دیگر، روسیه می‌تواند به جای مقابله با این کریدور، به دنبال راه‌هایی برای ادغام خود در آن و استفاده از پتانسیل‌های آن باشد، به ویژه در چارچوب همکاری‌های اقتصادی اوراسیا.

در مجموع، کریدور زنگرور یک پروژه تجاری-استراتژیک با ابعاد گسترده است که می‌تواند نقشه ژئواکونومیک منطقه را بازتعریف کند. موفقیت این کریدور و تأثیرات نهایی آن بر کشورهای درگیر، به تعاملات ژئوپلیتیکی، اراده سیاسی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، و توانایی آنها در مدیریت منافع متضاد و همکاری‌های مشترک بستگی خواهد داشت. این کریدور، بیش از آنکه صرفاً یک مسیر فیزیکی باشد، آزمونی برای دیپلماسی اقتصادی و پایداری صلح در منطقه قفقاز جنوبی و فراتر از آن است (کوزه‌گر کالجی، ۱۴۰۱).

ابعاد امنیتی

کریدور زنگرور، فراتر از ابعاد تجاری و اقتصادی، دارای لایه‌های عمیق و پیچیده‌ای از ملاحظات امنیتی است که می‌تواند ثبات منطقه‌ای و حتی فرمانطقه‌ای را تحت تأثیر قرار دهد. کریدور زنگرور، فراتر از کارکردهای تجاری و ترانزیتی، واجد لایه‌های پیچیده‌ای از ملاحظات امنیتی و راهبردی است که ثبات در قفقاز جنوبی و موازنه قدرت در اوراسیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مسیر پیشنهادی که هدف آن ایجاد اتصال سرزمینی مستقیم میان جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان از طریق استان سیونیک ارمنستان است، در کانون تضاد منافع قدرت‌های منطقه‌ای (ایران، ترکیه و روسیه) و بازیگران بین‌المللی قرار دارد. حساسیت اصلی این پروژه، نه صرفاً در انتقال کالا، بلکه در چالش‌های احتمالی برای مرزهای بین‌المللی، حاکمیت ملی ارمنستان و تغییر در دسترسی‌های ژئوپلیتیک ایران به قفقاز شمالی و اروپا نهفته است. نخستین و برجسته‌ترین بعد امنیتی کریدور زنگرور، ریسک‌های بالایی است که از نزدیکی آن به مرزهای ایران ناشی می‌شود. این کریدور قرار است در امتداد مرز شمالی ایران با ارمنستان احداث شود، منطقه‌ای که برای امنیت ملی ایران از اهمیت حیاتی برخوردار است. تهران بارها به صراحت اعلام کرده است که هرگونه تغییر در مرزهای ژئوپلیتیکی منطقه و به ویژه قطع مرز



مشترک خود با ارمنستان را خط قرمز خود می‌داند. این هشدارها نه تنها مربوط به تغییرات سرزمینی، بلکه به حضور احتمالی نیروهای نظامی غیرمنطقه‌ای مانند نیروهای آمریکایی در نزدیکی مرزهای خود نیز می‌شود. در صورت تکمیل و فعال شدن این کریدور، احتمال افزایش نفوذ نظامی و اطلاعاتی ناتو (به واسطه حضور ترکیه به عنوان عضو ناتو) و حتی ایالات متحده در منطقه قفقاز جنوبی، در مجاورت مرزهای ایران، به شدت بالا می‌رود. این وضعیت می‌تواند به تنش‌های نظامی قابل توجهی منجر شود و واکنش‌های پیش‌بینی نشده‌ای را از سوی ایران در پی داشته باشد، چرا که این موضوع را تهدیدی مستقیم علیه امنیت ملی خود تلقی می‌کند (کوزه‌گر کالجی، ۱۴۰۱). مانورهای نظامی احتمالی ایران در آینده می‌تواند پاسخی به این تهدیدات و نمایش قدرت تهران باشد.

آذربایجان و ترکیه، به عنوان حامیان اصلی کریدور زنگزور، به دنبال تقویت امنیت خود و افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی در منطقه هستند. برای آذربایجان، این کریدور نمادی از پیروزی در جنگ قره‌باغ دوم و اتصال سرزمینی است. این کشور با اتکاء به حمایت ترکیه، به دنبال تثبیت موقعیت خود به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و بهره‌برداری از مزایای اقتصادی و ژئوپلیتیکی این مسیر است. ترکیه نیز با حمایت از آذربایجان و تسهیل این کریدور، در پی گسترش نفوذ خود در آسیای مرکزی و اتصال به جهان ترک است. این دو کشور احتمالاً تدابیر امنیتی شدیدی را در طول کریدور اتخاذ خواهند کرد تا از پایداری و امنیت آن اطمینان حاصل شود (فخرایی و همکاران، ۱۴۰۱).

در مقابل، ارمنستان با مسائل پیچیده‌ای در زمینه جابه‌جایی و امنیت داخلی مواجه است. «ژئوپلیتیک حذفی»^۱ و انسداد راهبردی اینکریدور نه تنها می‌تواند منجر به تضعیف موقعیت ژئوپلیتیکی ارمنستان شود، بلکه ریسک‌های امنیتی داخلی را نیز افزایش می‌دهد. نارضایتی‌های عمومی و احتمال بروز ناآرامی‌های داخلی در ارمنستان در واکنش به فشارها برای واگذاری کنترل بر این مسیر، از دیگر ابعاد امنیتی است که باید مورد توجه قرار گیرد (کاظمی، ۱۴۰۱). از دست دادن کنترل بر کریدور، می‌تواند آسیب‌پذیری‌های امنیتی ارمنستان را در برابر فشارهای خارجی افزایش دهد.

نقش ایالات متحده در این پازل امنیتی نیز بسیار مهم است. واشنگتن، به عنوان حامی کریدور میانی و به تبع آن کریدور زنگزور، به دنبال کسب یک پایگاه استراتژیک جدید در منطقه قفقاز است. این پایگاه نه تنها به ایالات متحده امکان می‌دهد تا بر مسیرهای انرژی و تجارت اوراسیا نفوذ بیشتری پیدا کند، بلکه می‌تواند ابزاری برای مهار نفوذ روسیه و ایران در منطقه باشد (کوزه‌گر کالجی و همکاران، ۱۴۰۲). حضور بیشتر آمریکا در این منطقه می‌تواند به تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای منجر شود و نگرانی‌های امنیتی سایر بازیگران را افزایش دهد.

1. (Exclusionary Geopolitics)

در مقابل، روسیه به دقت تحولات مربوط به کریدور زنگزور را رصد می‌کند. با وجود اینکه روسیه در گذشته روابط نزدیکی با ارمنستان داشته و پایگاه‌های نظامی خود را در این کشور حفظ کرده است، اما موضع آن در قبال کریدور زنگزور پیچیده است. از یک سو، روسیه مایل به حفظ نفوذ خود در قفقاز جنوبی و جلوگیری از گسترش نفوذ ناتو است. از سوی دیگر، ممکن است روسیه از کریدور زنگزور به عنوان ابزاری برای افزایش نفوذ خود بر ارمنستان و ایجاد وابستگی‌های جدید استفاده کند. حفظ پایگاه‌های نظامی روسیه در ارمنستان نشان‌دهنده تعهد مسکو به حفظ حضور امنیتی خود در منطقه است، اما این کریدور می‌تواند به توازن قدرت جدیدی در منطقه منجر شود که روسیه باید با آن کنار بیاید. احتمالاً روسیه به دنبال تضمین‌هایی خواهد بود که این کریدور به طور کامل به نفع منافع غرب نباشد و نقش امنیتی آن در منطقه حفظ شود (نوری، ۱۴۰۰).

همانطور که اشاره شد، ایران می‌تواند با مانورهای نظامی در مرزهای خود به فعال شدن این کریدور واکنش نشان دهد. این مانورها نه تنها برای نمایش قدرت و آمادگی نظامی ایران است، بلکه می‌تواند به عنوان پیامی قاطع به بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی باشد که ایران در مورد امنیت مرزهای خود جدی است. افزایش گشت‌زنی‌های مرزی، تقویت مواضع دفاعی، و حتی انجام تمرینات نظامی مشترک با شرکای منطقه‌ای (در صورت لزوم) می‌تواند بخشی از واکنش ایران باشد. هدف نهایی ایران، حفظ وضعیت ژئوپلیتیکی موجود در مرزهای شمالی خود و جلوگیری از هرگونه تغییر که امنیت ملی آن را به خطر بیندازد، است.

در نهایت، ابعاد امنیتی کریدور زنگزور نشان‌دهنده یک توازن شکننده در منطقه‌ای است که از دیرباز میدان رقابت قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای بوده است. هرگونه اقدام نسنجیده یا عدم توجه به نگرانی‌های امنیتی بازیگران کلیدی می‌تواند به تشدید تنش‌ها و بی‌ثباتی در منطقه منجر شود. پایداری و امنیت این کریدور، نه تنها به قابلیت‌های فنی و اقتصادی آن، بلکه به توانایی بازیگران در مدیریت ریسک‌های امنیتی و دستیابی به یک اجماع منطقه‌ای بستگی دارد.

تحلیل رفتاری ایران در کریدور زنگزور

رویکرد ایران در قبال کریدور زنگزور باید ترکیبی از قاطعیت در حفظ منافع ملی و انعطاف‌پذیری در دیپلماسی باشد. ایران باید با توسعه جایگزین‌های قوی مانند کریدور آراس، تقویت روابط با ارمنستان و روسیه، و دیپلماسی فعال با آذربایجان و ترکیه، به دنبال تأمین منافع خود در یک منطقه در حال تغییر باشد. هدف نهایی، حفظ نقش ترانزیتی ایران، تضمین امنیت مرزهای ملی، و مشارکت فعال در یک معماری امنیتی و اقتصادی پایدار در منطقه قفقاز جنوبی است.



کریدور زنگزور و توافق صلح ایالات متحده در سال ۲۰۲۵ نشان دهنده تغییر پارادایم به سمت ادغام اقتصادی تحت رهبری غرب در قفقاز جنوبی است و فرصت‌های تجاری جدیدی را به همراه خواهد داشت و این اتحاد جدید موجب به حاشیه راندن ایران و روسیه در این گذرگاه خواهد شد. ضرورت دیپلماسی قاطع برای حفاظت از منافع ایران، استفاده از پتانسیل جایگزین و ترویج توسعه منطقه‌ای متعادل می‌باشد. ایران در آینده و به طور ممتد باید تأثیرات اجرای بر ثبات و جریان‌های تجاری تمامی موقعیت‌های خود در عرصه تجارت جهانی همواره تحت نظر و مطالعه داشته باشد. با نگاهی دقیق‌تر به نتایج کلی پیمان احتمالی بین آذربایجان، ارمنستان و آمریکا در خصوص کریدور زنگزور و نحوه تقابل دیپلماتیک ایران با آن داشته باشیم. این موضوع واقعاً پیچیده است و ابعاد مختلفی دارد که باید با دقت تحلیل شوند.

نتایج کلی پیمان آذربایجان، ارمنستان و آمریکا در خصوص زنگزور:

تبعات انعقاد چنین پیمانی با مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم آمریکا، پیامدهای گسترده‌ای خواهد داشت:

۱. ژئوپلیتیک و تضعیف نفوذ ایران و روسیه:

- **تغییر مسیرهای ترانزیتی:** اصلی‌ترین نتیجه این است که کریدور زنگزور به عنوان یک مسیر ترانزیتی مهم شرق-غرب (و شمال-جنوب در آینده) تقویت می‌شود. این امر می‌تواند از اهمیت مسیرهای ترانزیتی سنتی ایران و کریدور بین‌المللی شمال-جنوب بکاهد.
- **کاهش نقش روسیه:** در صورت ورود آمریکا به این معادله، نفوذ سنتی روسیه در قفقاز جنوبی، به ویژه در ارمنستان، تضعیف خواهد شد. این امر می‌تواند به نفع منافع آمریکا و غرب در منطقه باشد.
- **نفوذ غرب و ترکیه:** حضور فعال آمریکا به معنای افزایش نفوذ غرب در منطقه‌ای است که ایران و روسیه آن را حیاط خلوت خود می‌دانند. این امر در کنار افزایش نفوذ ترکیه (به عنوان متحد آذربایجان و عضو ناتو) می‌تواند به ایجاد یک محور قوی‌تر غرب-ناتو در مرزهای شمالی ایران منجر شود.

۲. اقتصاد و ترانزیت:

- **مزایای اقتصادی برای آذربایجان و ترکیه:** این پیمان می‌تواند منافع اقتصادی قابل توجهی برای آذربایجان (با دسترسی مستقیم به نخجوان و ترکیه) و ترکیه (با اتصال به آسیای مرکزی) به همراه داشته باشد.
- **فشارهای اقتصادی بر ایران:** ایران ممکن است بخشی از درآمدهای ترانزیتی خود را از دست بدهد و جایگاهش به عنوان یک هاب ترانزیتی منطقه‌ای با چالش جدی مواجه شود.



- **وابستگی ارمنستان:** ارمنستان، در صورت توافق، از محاصره جغرافیایی خارج شده و به ترکیه و آذربایجان متصل می‌شود. اما این امر می‌تواند به قیمت افزایش وابستگی اقتصادی و سیاسی به باکو و آنکارا تمام شود.

۳. امنیت و ثبات منطقه‌ای:

- **نگرانی‌های امنیتی ایران:** اصلی‌ترین نگرانی ایران از دست دادن مرز مشترک با ارمنستان (یا به خطر افتادن حاکمیت ارمنستان بر این منطقه) است. این امر می‌تواند پیامدهای امنیتی بلندمدتی برای امنیت ملی ایران داشته باشد.
- **افزایش تنش‌ها:** اگر این پیمان به صورت تحمیلی و بدون در نظر گرفتن نگرانی‌های امنیتی ایران باشد، می‌تواند به افزایش تنش‌ها در منطقه منجر شود و خطر رویارویی‌های غیرمستقیم را افزایش دهد.
- **حضور نظامی احتمالی:** هرچند به صورت علنی مطرح نشود، اما حضور و نفوذ آمریکا می‌تواند به معنای نزدیک‌تر شدن زیرساخت‌های ناتو به مرزهای ایران باشد (شعیب، ۱۴۰۱).

تقابل دیپلماتیک ایران در قبال آن:

ایران در مواجهه با چنین سناریویی، باید یک استراتژی با دیپلماسی چندوجهی و هوشمندانه را به کار گیرد:

دیپلماسی قاطع و شفاف:

- **خط قرمز مرزی:** ایران باید به صراحت و با قاطعیت به تمامی طرف‌ها (به ویژه آذربایجان و آمریکا) اعلام کند که هرگونه تغییر در مرزهای رسمی، از دست دادن مرز مشترک با ارمنستان و یا ایجاد «کریدور فراسرزمینی» تحت حاکمیت یک کشور دیگر در خاک ارمنستان، خط قرمز امنیتی ایران است و با واکنش قاطع مواجه خواهد شد. این پیام باید از طریق کانال‌های رسمی و غیررسمی به وضوح منتقل شود.
- **حفظ تمامیت ارضی ارمنستان:** ایران باید در مجامع بین‌المللی و در گفتگوهای دوجانبه، از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ارمنستان قویاً حمایت کند و هرگونه فشار بر ایروان برای واگذاری اجباری کنترل بر خاک خود را محکوم نماید.

تقویت جایگزین‌ها و مسیرهای خودی:

- **تسریع در توسعه کریدور آراس (ارس):** مهمترین ابزار دیپلماتیک و اقتصادی ایران، توسعه سریع و عملیاتی کردن کریدور آراس در طول مرز شمالی با ارمنستان است. ایران باید با سرمایه‌گذاری در



راه‌آهن و جاده‌ها، این مسیر را به یک جایگزین جذاب و امن برای ترانزیت کالا تبدیل کند. این امر به ارمنستان نیز اهرم چانه‌زنی بیشتری در برابر فشارها می‌دهد.

- **تأکید بر کریدور شمال - جنوب:** ایران باید با همکاری روسیه، بر اهمیت و کارایی کریدور شمال - جنوب تأکید کند و مزایای آن را در مقایسه با کریدور زنگزور (که ممکن است با چالش‌های امنیتی و سیاسی بیشتری روبرو باشد) برجسته سازد.

دیپلماسی فعال با بازیگران کلیدی:

- **ارمنستان:** حفظ و تقویت روابط نزدیک با ارمنستان از طریق همکاری‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی. ایران باید به ارمنستان اطمینان دهد که در برابر فشارهای خارجی، در کنار این کشور خواهد بود.
- **روسیه:** هماهنگی مواضع نزدیک با روسیه، که آن نیز نگران افزایش نفوذ غرب در منطقه و تضعیف جایگاهش است. ایران و روسیه می‌توانند یک جبهه دیپلماتیک مشترک برای حفظ ثبات منطقه‌ای و مقابله با طرح‌های تضعیف‌کننده نفوذشان ایجاد کنند.
- **آذربایجان و ترکیه:** حفظ کانال‌های ارتباطی و دیپلماتیک با باکو و آنکارا، در عین حال که خطوط قرمز امنیتی ایران را به روشنی اعلام می‌کند. ایران می‌تواند پیشنهادهای همکاری ترانزیتی جایگزین و برد-برد را مطرح کند که منافع تمامی طرف‌ها را تأمین کند.

افزایش توان بازدارندگی و مانورهای نظامی:

- **نمایش قدرت:** انجام مانورهای نظامی در مرزهای شمالی کشور (استان‌های آذربایجان شرقی و غربی) به عنوان یک پیام قاطع به هرگونه ماجراجویی منطقه‌ای یا تلاش برای تغییرات ژئوپلیتیک مرزی توسط غربی‌ها. این مانورها باید توانایی ایران در واکنش سریع و قاطع را به نمایش بگذارند.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری راهبردی: ژئوپلیتیک زنگزور و توازن قدرت در قفقاز جنوبی

تحولات اخیر و تلاقی منافع آذربایجان، ارمنستان و ایالات متحده در موضوع کریدور زنگزور، نشان‌دهنده یک چرخش بنیادین در نظم امنیتی قفقاز جنوبی است که هدف آن کاهش نفوذ سنتی روسیه و حذف مزیت‌های ژئواکونومیک ایران است. این کریدور برای ترکیه نیز، دریچه‌ای به سوی نفوذ هر چه بیشتر در جهان تُرک و برای آمریکا و اتحادیه اروپا، ابزاری جهت متنوع‌سازی مسیرهای انرژی و تضعیف وابستگی به مسکو و تهران محسوب می‌شود. در مقابل، این پروژه تهدیدی وجودی برای جایگاه ارمنستان به عنوان



یک بازیگر مستقل و همچنین موقعیت گرجستان به عنوان تنها گذرگاه فعلی شرق به غرب است. تقابل دیپلماتیک ایران در این نبرد پیچیده باید بر یک راهبرد سه وجهی استوار باشد: ۱. قاطعیت در حفظ ژئوپلیتیک مرزها؛ تأکید بر خط قرمز امنیتی در مرز ارمنستان و جلوگیری از هرگونه تغییر مرزی که منجر به انسداد دسترسی ایران به قفقاز و اروپا شود. ۲. ابتکار عمل در جایگزین سازی؛ تسریع در تکمیل کریدور آراس و تقویت بخش های ناتمام کریدور شمال - جنوب تا با ارائه گزینه ای اقتصادی تر و امن تر، جذابیت زنگزور برای بازیگرانی نظیر چین و کشورهای آسیای مرکزی تعدیل شود. ۳. دیپلماسی ائتلاف ساز؛ هم راستا کردن منافع تاکتیکی با روسیه (که علیرغم برخی نوسانات، با حضور ناتو در منطقه مخالف است) و ارمنستان جهت ممانعت از تحمیل یک «کریدور فراسرزمینی» که حاکمیت ملی را نقض می کند. در نهایت، موفقیت ایران در این بن بست ژئوپلیتیکی، در گرو گذار از واکنش های انفعالی به سوی «دیپلماسی فعال زیرساختی» است. هدف نهایی باید تثبیت مدل «قفقاز ۳+۳» و تبدیل ایران به نقطه اتصال غیرقابل حذف در شبکه های ترانزیتی اوراسیا باشد، تا از انزوای ژئواکونومیک جلوگیری شده و ثبات پایدار در مرزهای شمالی بر پایه منافع مشترک منطقه ای تضمین گردد. تقابل دیپلماتیک ایران همچنین باید بر پایه قاطعیت در حفظ منافع و خطوط قرمز امنیتی (به ویژه مرز مشترک با ارمنستان)، تقویت عملی جایگزین های ترانزیتی خودی (مانند کریدور آراس) و دیپلماسی فعال و هماهنگ با شرکای منطقه ای (مانند روسیه و ارمنستان) استوار باشد. هدف نهایی ایران باید جلوگیری از ایجاد یک کریدور فراسرزمینی تحمیلی، حفظ ثبات و آرامش در مرزهای شمالی و تأمین منافع اقتصادی خود به عنوان یک هاب ترانزیتی مهم باشد. این یک نبرد پیچیده دیپلماتیک و ژئوپلیتیکی است که نیازمند هوشمندی و آینده نگری از سوی ایران است.

توصیه های سیاستی

مهم ترین توصیه های سیاستی برای ایران شامل: (۱) توسعه فوری کریدور «آراس» ارس، با همکاری روسیه و ایران برای حفظ ترانزیت. (۲) دیپلماسی دوجانبه در کریدور شمال - جنوب برای مقابله با نفوذ غرب. (۳) مانورهای نظامی مشترک با روسیه برای بازدارندگی توازن و حفظ قوا در منطقه. (۴) مذاکره با ارمنستان برای مسیرهای جایگزین. (۵) سرمایه گذاری در زیرساخت های داخلی برای کاهش وابستگی به این کریدور. کریدور زنگزور نه تنها یک پروژه زیرساختی، بلکه پدیده ای ژئوپلیتیکی است که می تواند معادلات منطقه ای قفقاز جنوبی و اوراسیا را به شدت دگرگون کند. برای ایران، این کریدور هم فرصت ها و هم چالش های بزرگی را به همراه دارد. رویکرد ایران در قبال این کریدور در حد امکان راهبردی جامع، واقع بینانه و مبتنی بر منافع ملی بلندمدت باشد، با در نظر گرفتن پیچیدگی های روابط با کشورهای درگیر (آذربایجان، ارمنستان، ترکیه، روسیه) و قدرت های فرامنطقه ای (ایالات متحده و اتحادیه اروپا).



۱. ابعاد سیاسی و دیپلماتیک:

- **حفظ و تقویت روابط با ارمنستان:** ارمنستان، به عنوان یکی از همسایه ایران در قفقاز جنوبی که مرز مشترک زمینی با ایران دارد، از اهمیت استراتژیک بالایی برخوردار است.
- **پیشنهاد:** ایران باید به شدت از حق حاکمیت و تمامیت ارضی ارمنستان حمایت کند و در برابر هرگونه فشار برای واگذاری اجباری خاک یا تحمیل مسیری که حاکمیت ارمنستان را تضعیف می‌کند، ایستادگی کند. این حمایت باید در مجامع بین‌المللی و از طریق دیپلماسی فعال ادامه یابد.
- **پیشنهاد:** تقویت روابط دوجانبه با ارمنستان در تمامی ابعاد (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی) و ارائه راهکارهای جایگزین برای اتصال منطقه‌ای (مانند توسعه کریدور آراس) می‌تواند موضع ارمنستان را در برابر فشارها تقویت کند.
- **دیپلماسی فعال و چندجانبه با آذربایجان و ترکیه:** ایران باید همزمان با حفظ خطوط قرمز خود، کانال‌های دیپلماتیک را با باکو و آنکارا باز نگه دارد.
- **پیشنهاد:** در گفتگو با آذربایجان، تأکید بر منافع مشترک در توسعه مسیرهای ترانزیتی موجود (مانند کریدور شمال - جنوب) و همکاری در پروژه‌های منطقه‌ای به جای تمرکز صرف بر کریدور زنگزور. ایران می‌تواند پیشنهاد دهد که بخشی از ترافیک تجاری آذربایجان از طریق خاک ایران و با منافع مشترک انجام شود.
- **پیشنهاد:** با ترکیه، که نقش محوری در کریدور میانی دارد، گفتگوهایی در مورد هم‌افزایی به جای رقابت صرف بر سر مسیرهای ترانزیتی انجام شود. ایران و ترکیه می‌توانند در برخی پروژه‌های زیرساختی و انرژی مشترک در منطقه همکاری کنند.
- **پیشنهاد:** برگزاری نشست‌های سه‌جانبه یا چندجانبه با حضور بازیگران منطقه‌ای (ایران، روسیه، ارمنستان، آذربایجان) برای گفتگو در مورد معماری امنیتی و اقتصادی منطقه و یافتن راه‌حل‌های مورد توافق جمعی.
- **نقش‌آفرینی فعال در مجامع بین‌المللی:**
- **پیشنهاد:** طرح نگرانی‌ها در مورد تغییرات ژئوپلیتیکی مرزها و تهدیدات امنیتی ناشی از کریدور زنگزور در سازمان ملل متحد، سازمان همکاری شانگهای، و سایر نهادهای بین‌المللی.
- **پیشنهاد:** جلب حمایت کشورهای که منافع مشابهی در حفظ ثبات منطقه‌ای و جلوگیری از نفوذ بیش از حد قدرت‌های فرامنطقه‌ای دارند.



۲. ابعاد اقتصادی:

- **توسعه و تقویت کریدور آراس (جایگزین زنگزور):** این کریدور که در طول مرز شمالی ایران با ارمنستان می‌گذرد، می‌تواند راهکاری استراتژیک برای ایران باشد.
 - **پیشنهاد:** سرمایه‌گذاری گسترده در زیرساخت‌های ریلی و جاده‌ای در شمال غرب ایران (استان‌های آذربایجان شرقی و غربی) برای اتصال بهتر به ارمنستان و سپس به گرجستان و دریای سیاه.
 - **پیشنهاد:** ارائه مشوق‌های اقتصادی به شرکت‌های ترانزیتی برای استفاده از مسیرهای موجود ایران (به جای کریدور زنگزور) با تأکید بر امنیت، سرعت و هزینه رقابتی.
 - **پیشنهاد:** گفتگو با روسیه برای تقویت کریدور شمال - جنوب و ادغام کریدور آراس به عنوان یک شاخه مهم از آن. این امر می‌تواند منافع مشترک این کشورها را در حفظ و توسعه مسیرهای ترانزیتی از طریق ایران تضمین کند.
- **تنوع بخشی به اقتصاد ترانزیتی:** ایران نباید صرفاً به ترانزیت کالا و انرژی از مسیرهای سنتی وابسته باشد.
 - **پیشنهاد:** توسعه زیرساخت‌های لجستیکی پیشرفته (انبارهای مدرن، مراکز توزیع، خدمات ارزش افزوده) در مناطق مرزی و بنادر برای جذب بیشتر ترافیک ترانزیتی و افزایش درآمدهای غیرنفتی.
 - **پیشنهاد:** تمرکز بر ترانزیت انرژی (نفت و گاز) از طریق خطوط لوله موجود و توسعه خطوط جدید با شرکای منطقه‌ای، به ویژه در جنوب و غرب کشور.
- **همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای:**
 - **پیشنهاد:** افزایش حجم تجارت دوجانبه و چندجانبه با کشورهای همسایه (به ویژه ارمنستان و روسیه) در قالب توافق نامه‌های تجاری ترجیحی و مناطق آزاد تجاری.
 - **پیشنهاد:** حمایت از پروژه‌های مشترک اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های متقابل که منافع تمامی کشورهای منطقه را تأمین کند.

۳. ابعاد امنیتی:

- **حفظ خط قرمز مرزی:** ایران باید به صراحت و قاطعیت اعلام کند که هرگونه تغییر در مرزهای ژئوپلیتیکی و از دست دادن مرز مشترک با ارمنستان، یک خط قرمز امنیتی است و با واکنش قاطع مواجه خواهد شد.
 - **پیشنهاد:** تقویت حضور نظامی و نظارتی در مرزهای شمالی کشور، به ویژه در استان آذربایجان شرقی، برای جلوگیری از هرگونه تحرک یا تهدید احتمالی.



○ **پیشنهاد:** انجام مانورهای نظامی منظم در مناطق مرزی برای نمایش آمادگی دفاعی و قدرت بازدارندگی.

■ **مدیریت نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای:**

○ **پیشنهاد:** دیپلماسی فعال با روسیه برای هماهنگی مواضع در قبال نفوذ ناتو و ایالات متحده در قفقاز جنوبی. روسیه نیز نگرانی‌هایی مشابه ایران در مورد گسترش نفوذ غرب در حیط خلوت خود دارد.

○ **پیشنهاد:** تأکید بر اینکه امنیت منطقه باید توسط کشورهای منطقه تأمین شود و هرگونه حضور نظامی یا اطلاعاتی غیرمنطقه‌ای می‌تواند به بی‌ثباتی منجر شود.

■ **تقویت پدافند غیرعامل و آمادگی در برابر تهدیدات سایبری:**

○ **پیشنهاد:** با توجه به اهمیت استراتژیک کریدورها، احتمال حملات سایبری به زیرساخت‌های ترانزیتی افزایش می‌یابد. ایران باید توان دفاع سایبری خود را در این حوزه تقویت کند.

■ **گفتگوهای امنیتی منطقه‌ای:**

○ **پیشنهاد:** ابتکار برگزاری نشست‌های امنیتی با حضور کشورهای قفقاز جنوبی و همسایگان آن‌ها (ایران، روسیه، ترکیه) برای بحث در مورد چالش‌ها و تهدیدات امنیتی مشترک و ایجاد مکانیزم‌های همکاری.

دسترسی به داده

■ داده‌های استفاده شده یا تولید شده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است

تعارض منافع نویسندگان

■ نویسندگان این مقاله اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

- ابوالفتح، امیرعلی. (۱۴۰۴). دکترین نوین آمریکا در قفقاز؛ تحلیل ابعاد حقوقی اجاره ۹۹ ساله کریدور زنگزور. فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، (۷۲)، ۸۸-۹۰.
- بهمن، شعیب. (۱۴۰۴). واکاوی پیامدهای ژئوپلیتیک دالان زنگزور بر امنیت ملی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۸ (۳).
- حسینی، سید علی. (۱۴۰۴). تحلیل ژئوپلیتیک کریدور زنگزور و نقش جایگزین کریدور ارس در پساتوافق صلح ۲۰۲۵. فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۴۰۱). واکاوی رقابت کریدورهای ترانزیتی در قفقاز جنوبی و جایگاه ایران. فصلنامه سیاست خارجی، ۳۶ (۳).
- سلیمانی، افشار. (۱۴۰۴). نقش ترکیه در موازنه قدرت قفقاز جنوبی. ماهنامه دیدبان امنیت ملی، (۱۶۴)، ۲۳.
- ضیائی، محمدجواد. (۱۴۰۴). ارزیابی خسارات اقتصادی دالان زنگزور بر کریدور شمال-جنوب (گزارش راهبردی شماره ۱۰۴). مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران.
- فخرایی، سیده مرضیه و ستوده، علی اصغر. (۱۴۰۱). واکاوی پیامدهای ژئوپلیتیکی کریدور زنگزور بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۱۲ (۴)، ۱۶۱-۱۸۸.
- قهرمانی، مجید. (۱۴۰۴). تقابل کریدورها در قفقاز؛ جایگاه ابتکار کمربند-جاده چین و راهبرد بازدارندگی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست خارجی، ۵۲ (۱۱۰-۱۱۲).
- کولایی، الهه. (۱۴۰۴). پیامدهای حقوقی و امنیتی تغییرات ژئوپلیتیک در قفقاز جنوبی؛ از بحران انسانی تا موازنه انرژی (گزارش راهبردی شماره ۱۴). موسسه مطالعات ابرار معاصر تهران.
- کوزه‌گر کالجی، ولی. (۱۴۰۱). پیامدهای ژئوپلیتیک جنگ دوم قره‌باغ برای ایران؛ از فرصت‌های اقتصادی تا تهدیدات امنیتی. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۸ (۱۱۷).
- کوزه‌گر کالجی، ولی. (۱۴۰۴). کریدور زنگزور؛ پیامدها و پیام‌ها برای ایران و منطقه قفقاز. وب‌سایت شورای راهبردی روابط خارجی / موسسه ایراس.
- کوزه‌گر کالجی، ولی. (۱۴۰۴). جابجایی قدرت در قفقاز؛ تحلیل گذار از هژمونی روسیه به میانجی‌گری ایالات متحده. مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس).
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۱). واکاوی ابعاد ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایجاد دالان زنگزور (شماره مسلسل ۱۸۲۷۸). تهران: دفتر مطالعات سیاسی.
- موحیدیان، احسان. (۱۴۰۴). چالش‌های نوین امنیت ملی ایران در حوضه قفقاز (کد مطلب ۸۸۳۴). وب‌سایت شورای راهبردی روابط خارجی.
- همتی، محمود. (۱۴۰۴). ارزیابی ظرفیت‌های ترانزیتی قفقاز جنوبی و تحلیل ذینفعان کریدور زنگزور. ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، ۴۵ (۱۲۸)، ۴۸-۴۸.
- یزدان‌پناه درو، کیومرث. (۱۴۰۴). دیپلماسی تأخیری و فرصت‌های سوخته در قفقاز؛ از میانجی‌گری سنتی تا ضرورت پیوند با بریکس. فصلنامه سیاست خارجی، ۳۹ (۴).

- Center for Strategic and International Studies (CSIS). (2025). The New Silk Road oversight: U.S. geo-economic strategy in the South Caucasus.
- Conradi, F. (2026, April 29). The much-touted Middle Corridor transport route could prove a dead end. Carnegie Endowment for International Peace. <https://carnegieendowment.org/research/2026/04/the-much-touted-middle-corridor-transport-route-could-prove-a-dead-end>
- European Bank for Reconstruction and Development (EBRD). (2024). Sustainable transport connections between Europe and Central Asia: Investment opportunities and trade synergy.
- European Commission. (2026). EU energy market observatory: Annual report on gas imports and diversification strategy. Directorate-General for Energy.



- International Energy Agency (IEA). (2024). Azerbaijan energy profile: Balancing domestic needs and export ambitions.
- International Monetary Fund (IMF). (2025). Republic of Armenia: 2025 Article IV consultation and regional transit integration report (Country Report No. 25/112).
- U.S. Energy Information Administration (EIA). (2025). Caspian Sea region: Analysis of strategic energy infrastructure and U.S. corporate participation.
- World Bank. (2024). The Middle Corridor: Potential, challenges, and the way forward.
- World Bank. (2025). Economic update for the South Caucasus: Azerbaijan data analysis.

